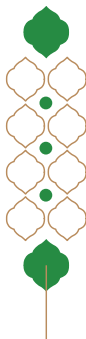


فیش سخنرانی ویژه ولادت رسول خدا ﷺ

رسول خدا ﷺ معلم اخلاق یا مدیر سیاسی؟!

علیرضا پناهیان



پناهان

Panahian.net

@Hawzah_Panahian

توضیح:

این جزوه حاوی متن دو سخنرانی علیرضا پناهیان است.

ارائه شده توسط کانال تخصصی حوزه و تبلیغ علیرضا پناهیان

تهیه و تنظیم: رضا رضای رحمتی ، علی حیدری

@Hawzah_Panahian

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

- ۳ شاید سعی شده وقتی نام پیامبر(ص) را می‌شنویم یاد اخلاق بیفتیم نه سیاست
- ۴ پیامبر الهی، اول اصلاح وضع سیاسی جامعه را دنبال می‌کند
- ۵ تمام درگیری انبیاء بر سر مسائل سیاسی بوده نه برگزاری کلاس اخلاق!
- ۶ چرا پیامبر به دنبال قدرت بودند؟ نجات بشر بدون قدرت امکان ندارد
- ۷ پیامبر(ص) مدینه را به یک پادگان تبدیل کرد
- ۹ برای سعادت بشر، اول باید «قدرت» به دست آورد
- ۱۰ چرا اگر کسی بخواهد بگوید «رسول خدا(ص) دنبال قدرت بودند» باید عذرخواهی کند؟
- ۱۲ تا قدرت سیاسی دست انسان‌های سالم نباشد، نه معیشت و نه دیانت مردم اصلاح نخواهد شد
- ۱۴ چرا رسول خدا(ص) در مدینه سیاست را بر کار اخلاقی مقدم کرد؟
- ۱۵ در تعلیمات دینی نباید مباحث «کلامی» بر مباحث «سیاسی» غلبه پیدا کند
- ۱۶ در پایان سوره محمد(ص) خدا از ایمان شما ایرانی‌ها سخن گفته است
- ۱۷ مژده ظهور خمینی به رسول خدا(ص)

ایمامبر ﷺ معلم اخلاق یا مدیر سیاسی؟!

شاید سعی شده وقتی نام پیامبر (ص) را می شنویم یاد اخلاق بیفتیم نه سیاست

شاید ۱۴۰۰ سال است که سعی کرده اند وقتی ما نام شریف پیغمبر اکرم (ص) را می شنویم به یاد اخلاق بیفتیم نه سیاست! شاید گروهی - در طول این مدت - تلاش داشته اند که طوری تبلیغ کنند و طوری از دین و رسول خدا (ص) برای ما حرف بزنند که وقتی نام پیامبر (ص) را می شنویم به یاد مهربانی های او بیفتیم نه به یاد قدرتمندی او، به یاد اخلاق فردی او بیفتیم نه به یاد حاکمیت سیاسی ای که او دنبال می کرد.

به همین دلیل در بین همه ما حدیث شریف «أَنْتِ بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» بسیار مشهور است، با اینکه این حدیث از سند

محکمی برخوردار نیست، بلکه از نظر سند دچار خدشه اساسی است، ولی بسیاری از آیات محوری قرآن و روایات با اسناد بسیار روشن و قاطع، بین ما از شهرت کافی برخوردار نیستند.

پیامبر الهی، اول اصلاح وضع سیاسی جامعه را دنبال می‌کند

خداوند متعال خودش در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل/۳۶) هر پیامبری را فرستادیم برای آن است که به مردم بگویند: خدا را عبادت کنید و از تبعیت طاغوت، اجتناب کنید. در واقع هر پیغمبری را فرستادیم، دو هدف داشته است- که این دو هدف دو روی یک سکه هستند- یکی عبادت خدا و دیگری درگیری با طاغوت است. اجتناب از طاغوت، درگیری و نبرد با طاغوت و طاغوتیان را اقتضا می‌کند؛ چون طاغوتیان، یعنی کسانی که طغیان کرده‌اند، طغیان‌گر و تجاوزکارند، و می‌خواهند شما را به بردگی بکشند. شما اگر خیلی آدم صلح‌طلبی هم باشید، فقط کافی است که بگویید «من برده نمی‌شوم»، در این صورت، طاغوتیان به شما حمله می‌کنند، گرگی می‌کنند و وحشی‌گری خواهند کرد.

علت بعثت انبیاء، «درگیری با طاغوت» است، آن وقت بین ما مشهور شده است که علت بعثت انبیاء، اخلاق است! البته اخلاق

هم در عداد اهداف انبیاء الهی هست، اما یک پیامبر خدا، اول اصلاح سیاسی وضع جامعه را دنبال می کند.

تمام درگیری انبیاء بر سر مسائل سیاسی بوده نه برگزاری کلاس اخلاق!

تمام درگیری های انبیاء الهی بر سر مسائل سیاسی و به خاطر درگیر شدن با قدرت طلبان بوده، و الا هیچ پیغمبری را به خاطر اینکه درس اخلاق بدهد، کسی نمی کشد! یاران رسول خدا(ص) را کسی شکنجه نمی کرد برای اینکه او می خواست درس اخلاق و عرفان بدهد! به خاطر درس اخلاق و عرفان، هیچ وقت انسان دشمن پیدا نمی کند.

اگر پیامبر خدا(ص) فقط می خواست مسائل اعتقادی یا مسائل عبادی و معنوی را ذکر کند، مسلماً کسی با او نمی جنگید، حتی مشرکین مکه هم از او استقبال می کردند، و می گفتند: برای ما چه فرقی می کند که نماز را چگونه بخوانیم؛ دو رکعتی بخوانیم یا سه رکعتی؟! سجده را مقابل خانه کعبه به حالت خوابیده انجام دهیم یا به حالت چمباتمه، سر را به سجده بگذاریم؟ برای مشرکین مکه این موضوعات، تفاوتی نداشت. حتی برای مشرکین مکه، موضوع بت هم موضوع جدی ای نبود؛ هر چند ممکن بود موضوع بت را بهانه قرار دهند، اما درگیری بر چیز دیگری بود.

دشمنان حضرت ابراهیم(ع) هم عاشق بت نبودند؛ عاشق قدرت بودند، و این قدرت طلبان بودند که با بهانه قرار دادن موضوع بت، با حضرت ابراهیم(ع) می جنگیدند. و الا اگر حضرت ابراهیم(ع) با قدرت قدرتمندان کاری نداشت، چرا قدرتمندان او را در منجنيق قرار دادند؟

چرا پیامبر به دنبال قدرت بودند؟ نجات بشر بدون قدرت امکان ندارد

در دنیا معمولاً دعوایی با کسی بر سر اعتقادات و معنویات و اخلاقیات رخ نمی دهد، اینکه پیامبر اکرم(ص) این قدر اذیت شدند، مسلماً به این دلیل است که پیامبر(ص) به دنبال قدرت بودند. اما در این ۱۴۰۰ سال، کاری کرده اند که بنده طلبه وقتی می خواهم گزارشی از دین و آیات و روایات معتبر به شما بدهم، باید برخی از عبارات را با عذر خواهی بیان کنم! مثلاً بگویم: «عذر خواهی می کنم، زبانم لال، یک وقت بد برداشت نشود: پیغمبر(ص) به دنبال قدرت بودند!» و بعد هم باید نگران باشم که بعداً ممکن است بعضی ها از این سخن بنده برداشت های ناصوابی داشته باشند!

پیامبر اکرم(ص) مسلماً به دنبال قدرت بودند، چون همه عاقلان عالم می دانند که بدون قدرت، نجات بشر امکان ندارد. پیامبر(ص) مسلماً دنبال این بود که قدرت فراهم بیاورد تا بتواند

زیر سایهٔ این قدرت، بشر را نجات دهد. و همان اخلاق و معنویات و عرفانیات را زیر سایهٔ قدرت به بشریت هدیه کند. چون این قدرت طلب‌ها هستند که مانع رشد انسان می‌شوند و انسان‌ها را فاسد نگه می‌دارند و

من هنوز هم می‌بینم که در جامعهٔ خودمان نگاه ما به پیامبر اکرم(ص) اخلاقی‌تر است؛ نسبت به آنچه که واقعاً بوده است. در حالی که پیامبر اکرم(ص) در واقع یک شخصیت برجستهٔ سیاسی بودند. اصلاً وقتی برخی از ویژگی‌های پیامبر اکرم(ص) را بر زبان جاری می‌کنیم، مردم تعجب می‌کنند. یا وقتی برخی از اقدامات کلیدی پیامبر(ص) را ذکر می‌کنیم، مردم تعجب می‌کنند که آیا واقعاً رسول خدا(ص) این اقدامات را انجام داده است؟!

پیامبر(ص) مدینه را به یک پادگان تبدیل کرد

وقتی رسول خدا(ص) مدینه را محل زندگی خود قرار دادند، بلافاصله مدینه را تبدیل به یک پادگان کردند. یکی دو تا از علامت‌های این پادگان را ذکر کنم؛ مثلاً ایشان فرمودند: هر کسی که مسلمان می‌شود باید در مدینه زندگی کند. اگر در مدینه کسب و کار ندارد، یا اطراف مدینه زمین کشاورزی ندارد، یا در مدینه امکان تجارت ندارد، به هر حال باید بیاید در مدینه زندگی کند و از کار و زندگی خود در جای دیگر، دست بکشد. هجرت هم

ماجرایی بود که به این امر پیامبر (ص) برمی گشت. چرا هر کسی هر کجا مسلمان شد باید می رفت و در مدینه زندگی می کرد؟ برای اینکه اسلام قدرت پیدا کند، برای اینکه پیامبر (ص) برای نشر اسلام، قدرت داشته باشد. چرا بعضی از اوقات ما در تعلیمات دینی به مردم دروغ می گوییم یا صحیحش را نمی گوییم که مردم دچار برداشت غلط شوند؟! (وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُم مِّنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا؛ انفال/ ۷۲ و فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ نساء/ ۸۹ و رسول الله ص: أَنَا بَرِيءٌ مِّنْ كُلِّ مُسْلِمٍ مُّقِيمٍ بَيْنَ أَظْهُرِ الْمُشْرِكِينَ. قالوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَلِمَ؟ قَالَ: لَا تَرَأَىٰ نَارَهُمَا؛ کنز/ ۴۶۲۹۶)

و باز گشت از شهر مدینه بعد از هجرت، جزء گناهان کبیره به حساب می آمد و اگر کسی از مدینه هجرت می کرد از بخش قابل توجهی از حمایت امت اسلامی محروم می شد. (رسول خدا (ص): لَا تَعْرَبْ بَعْدَ الْهَجْرَةِ وَلَا هِجْرَةَ بَعْدَ الْفَتْحِ؛ کافی ۴۴۳/۵ و امام رضا (ع): حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ التَّعْرَبَ بَعْدَ الْهِجْرَةِ لِلرَّجُوعِ عَنِ الدِّينِ وَ تَرْكِ الْمُؤَازَرَةِ لِلْأَنْبِيَاءِ وَ الْحُجَجِ عَ وَ مَا فِي ذَلِكَ مِنَ الْفُسَادِ وَ إِبْطَالِ حَقِّ كُلِّ ذِي حَقٍّ...؛ من لایحضره الفقیه/ ۵۶۶/۳)

ویژگی دومی که مدینه را بیشتر شبیه یک پادگان کرد، این بود که فرمود: هر کسی در مدینه زندگی می کند، حق ندارد بدون اذن پیامبر (ص) از مدینه خارج شود. (و اینه لا یخرج منهم أحد

إلا بأذن محمد، البدايةًوالنهايةً/ ۳ / ۲۲۵) به حدی که مردم آمدند نزد پیامبر(ص) و گفتند: مرز و حدود شهر مدینه را تعیین کنید تا ما بدانیم که دقیقاً از چه محدوده‌ای نباید خارج شویم؟ و بعد پیامبر(ص) دستور دادند و فردی معین شد و رفتند برای مدینه، مرز مشخص کردند(حرّم رسول الله ص الشجر بالمدينةً بریدا فی برید، وأرسلنی فأعلمت علی الحرم: علی شرف ذات الحبیث، وعلی شریب، وعلی أشراف مخیض؛ وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی؛ لسمهودی/ ۱/ ۸۱)،؛ عین یک پادگانی که دورش حصار می کشند. و بعد هم هر کسی که می خواست از مدینه خارج شود باید از پیامبر اکرم(ص) اجازه می گرفت. البته بعد از فتح مکه، زندگی کردن مسلمان ها در مکه و خارج از شهر مدینه آزاد شد.

برای سعادت بشر، اول باید «قدرت» به دست آورد

پیامبر اسلام(ص) اول به دنبال تأمین قدرت بودند. حتی گاهی اوقات پیامبر(ص) در ایامی که در مکه بودند به «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» دعوت نمی کردند، بلکه به برخی از اقوام می فرمودند: من با عقاید دینی شما کاری ندارم، بیاید با من پیمان نظامی ببندید که از من دفاع کنید. پیامبر اکرم(ص) به بعضی ها فرمودند: بیاید بر قدرت پیامبر بیفزایید تا بشود کلمه «لا اله الا الله» را نشر داد. (وَمَنْ كَرِهَ لَمْ أَكْرِهْهُ إِنَّمَّا أُرِيدُ أَنْ تُحَرِّزُونِي مِمَّا يُرَادُ بِي مِنَ الْقَتْلِ

حَتَّىٰ أُبَلِّغَ رِسَالَاتِ رَبِّي...؛ اعلام الوری / ۵۳)

پیامبر اکرم (ص) ساده لوحانه سرشان را پایین نینداختند؛ به طوری که کاری به واقعیت های اجتماعی نداشته باشند و بگویند: «ما به توحید و مسائل اعتقادی دعوت می کنیم و کاری با بقیه اش نداریم!» ایشان خیلی روشن بین بودند و می دانستند که برای سعادت بشر، اول باید قدرت به دست آورد. به همین دلیل وقتی در جریان پیمان عقبه دوم - که حدود هفتاد نفر از مردم مدینه نزد ایشان آمدند، با آنها بر سر دفاع از پیغمبر، پیمان بستند؛ سر اینکه آنها از پیامبر (ص) دفاع کنند. علت هجرت پیامبر (ص) این بود که آنان حاضر شده بودند از پیامبر (ص) دفاع جانانه کنند، یعنی از ایشان دفاع کنند که ایشان بتواند کار نبوت را به انجام برساند (فَقَالَ: بَايَعُونِي عَلَى السَّمْعِ وَالطَّاعَةِ فِي النَّشَاطِ وَالْكَسَلِ وَعَلَى النَّفَقَةِ فِي الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ وَ... وَعَلَى أَنْ تَنْصُرُونِي إِذَا قَدِمْتُ عَلَيْكُمْ يَثْرِبَ تَمْنَعُونِي مِمَّا تَمْنَعُونَ مِنْهُ أَنْفُسَكُمْ وَأَزْوَاجَكُمْ وَأَبْنَاءَكُمْ وَلَكُمْ الْجَنَّةَ؛ دلائل النبوه / ۲/ ۴۴۳)

چرا اگر کسی بخواهد بگوید «رسول خدا (ص) دنبال قدرت بودند» باید عذر خواهی کند؟

مسلماً رسول خدا (ص) در ابتدای راه و در طول مسیر حیات پربرکت خودشان، به دنبال تأمین قدرت بودند تا بتوانند اسلام

را نشر دهند. اما امروز کلمه «قدرت» به گونه‌ای شده است که انسان بخواهد بگوید «رسول خدا(ص) دنبال قدرت بودند» باید عذرخواهی کند یا «نعوذ بالله» بگوید! یا مراقبت کند که دیگران چه برداشتی می‌کنند!

معلوم است که پیامبر(ص) به معنایی که فاسدان دنبال قدرت طلبی هستند، قدرت طلب نبود، اما ایشان برای تأمین قدرت اسلام، جنگ‌ها و تلاش‌ها کردند و سیاست‌ورزی‌ها داشتند. قبل از اینکه به مدینه هجرت کنند، ۱۲ نفر را به عنوان مسئولین و بزرگان شهر برای مدینه منصوب کردند، در حالی که بسیاری از مردم مدینه، هنوز مسلمان نشده بودند. اما پیامبر اکرم(ص) قبل از اینکه هجرت کنند و وارد مدینه شوند، برای مدینه ۱۲ پیشوا و رئیس تعیین کردند. (فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أَخْرِجُوا إِلَيَّ مِنْكُمْ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا يَكْفُلُونَ عَلَيْكُمْ بِذَلِكَ مَا أَخَذَ مُوسَى مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا فَقَالُوا اخْتَرْنَا مَنْ شِئْتَ، فَأَشَارَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِمُ فَقَالَ هَذَا نَقِيبٌ وَ هَذَا نَقِيبٌ؛ اعلام‌الوری/ ۶۰)

رسول خدا(ص) یک سیاستمدار بزرگ بود. و ما باید برای تبلیغات دینی در جامعه خودمان متأسف باشیم که تصویر دقیق و صحیحی از رسول خدا(ص) به جامعه ارائه نداده‌اند. ما باید برای تعلیم و آموزش دینی در جامعه خودمان متأسف باشیم که تصوّر دقیقی از

کاری که پیامبر(ص) انجام داد و آن چیزی که در تاریخ عیناً رخ داده، به مردم نداده‌اند.

تا قدرت سیاسی دست انسان‌های سالم نباشد، نه معیشت و نه دیانت مردم اصلاح نخواهد شد

بدون داشتن قدرت سیاسی، نمی‌شود کار فرهنگی کرد، بدون داشتن قدرت سیاسی در دست انسان‌های سالم، نمی‌شود مردم را به سعادت رساند؛ معیشت مردم هم اصلاح نخواهد شد، و دیانت و معنویت مردم هم اصلاح نخواهد شد. تنها گروه اندکی هستند که بدون اینکه فضای سیاسی جامعه آماده باشد، آمادگی دارند که دیندار و معنوی شوند. اما این گروه اندک باید ابتدا در اندیشه تحقق قدرت دین باشند تا به واسطه قدرت دین، بتوانند دین را حاکم کنند؛ یعنی اخلاق و معنویات و امور عرفانی را حاکم کنند. «بزرگترین اقدام فرهنگی» در یک جامعه، صالح شدن قدرتمندان آن جامعه است

ان شاء الله خداوند تصور ما از سول خدا(ص) را تصور دقیقی قرار دهد؛ و به جای برجسته کردن برخی از احادیثی که سند درستی ندارند-مثل همین حدیث «أَنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»- و به جای اینکه کاری کنیم که مردم تنها برداشت اخلاقی از پیامبر(ص) داشته باشند، درباره پیامبر(ص) راست بگوییم! به

مردم بگوییم: پیامبر(ص) قبل از آمدن به مدینه، ۱۲ رئیس برای شهر مدینه‌ای که اکثراً هنوز مسلمان نشده بودند منصوب کردند. چون تا وقتی قدرت در جامعه اصلاح نشود، مردم اصلاح نخواهند شد.

بزرگترین اقدام فرهنگی در یک جامعه این است که قدرتمندان آن جامعه، افراد صالحی باشند. ریشه دینداری و معنویت در جامعه بزرگ امروز ما قوانینی است که در مجلس شورای اسلامی تصویب می‌شود و افرادی هستند که در پست‌ها منصوب می‌شوند. آیا این جامعه ما در آینده، روی سعادت و نیکبختی را خواهد دید یا نه؟ بروید به برنامه ششم توسعه نگاه کنید و ببینید آیا در این برنامه، مقدمات تحقق معنویت و فرهنگ را در جامعه فراهم کرده‌اند یا نه؟ اگر بسیجی‌ها می‌خواهند از انقلاب و معنویت خود محافظت کنند، اگر می‌خواهند برای امام حسین(ع) سینه بزنند، هیات‌های مذهبی و مبلغان دینی باید به سراغ قانون‌گذاران و مجریان قانون جامعه بروند، ابتدا باید آنجا را اصلاح کنند. و الا دل‌های مردم پاک است، حتی دل‌های گنهکاران جامعه هم پاک است؛ در جامعه ما اغلب گنهکاران هم افراد خوب و باصفایی هستند، اما باید زمینه مساعدی برای آنها فراهم شود، در این صورت بسیاری از آنها از مدعیان دینداری هم دیندارتر خواهند شد و اخلاقی‌تر عمل خواهند کرد.

چرا رسول خدا(ص) در مدینه سیاست را بر کار اخلاقی مقدم کرد؟

پیغمبر اکرم(ص) قبل از اینکه به مدینه برود و در مدینه کار تبلیغی خودش را شروع کند، و قبل از اینکه در مدینه مسجد بنا کند، و قبل از حضور خودش و نزول آیات قرآن در مدینه، برای مدینه فرماندار درست تعیین کرد. تا وقتی فرمانداران و مسئولان درست، در یک جامعه حاکم نباشد، کار فرهنگی کردن «شوخی» است! کار مسجد و محراب و منبر و تبلیغ داشتن هم «شوخی» است!

باید آن چنان که رسول خدا(ص) سیاست را بر کار اخلاقی خودش در مدینه مقدم کرد، و ابتدا نقبایی را تعیین کرد، و بعداً در مدینه حاضر شد، ما هم باید به مسأله سیاست، این قدر اهمیت بدهیم.

امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: «فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَعَثَ مُحَمَّدًا ص بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ عِبَادِهِ إِلَى عِبَادَتِهِ وَ مِنْ عُهُودِ عِبَادِهِ إِلَى عُهُودِهِ وَ مِنْ طَاعَةِ عِبَادِهِ إِلَى طَاعَتِهِ وَ مِنْ وَّلَايَةِ عِبَادِهِ إِلَى وَّلَايَتِهِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا» (کافی/۳۸۶/۸) خداوند متعال، پیامبر(ص) را به رسالت مبعوث کرد، تا مردم را از عبادت یکدیگر نجات دهد(از عبادت طاغوتیان نجات دهد) و مردم را به عبادت خدا دعوت کند، و انسان‌ها از زیر دین طواغیت بیرون بیایند و تحت امر خدا قرار

بگیرند، و مردم را از طاعت بندگان خود نجات دهد و به طاعت خود فراخواند.

در تعلیمات دینی نباید مباحث «کلامی» بر مباحث «سیاسی» غلبه پیدا کند

این غلط است که در تعلیمات دینی ما بحث‌های کلامی بر بحث‌های سیاسی غلبه پیدا می‌کنند. کار اول پیامبران، مباحث کلامی نبود! مصرف مباحث کلامی نوعاً برای افراد شبهه‌دار است که آنها افراد اندکی در جامعه هستند، و الا اکثریت جامعه هیچ‌وقت شبهات کلامی ندارند. تعلیمات نباید تحت تأثیر برنامه‌ریزی‌های متکلمین قرار بگیرد. تعلیمات دینی نباید تحت تأثیر برنامه‌ریزی‌های علمای اخلاق قرار بگیرد. بلکه تعلیمات دینی باید مانند قرآن باشد، حجم و ترتیب آن باید مانند سیره رسول خدا(ص) باشد؛ همان‌طور که در تاریخ اتفاق افتاده است.

صلوات یک ذکر «سیاسی» است

اگر این چنین باشد، مردم هر بار که بر محمد و آل محمد(ص) صلوات می‌فرستند، در واقع دارند برای ولی الله‌الاعظم، و برای امت پیامبر(ص) قدرت‌آفرینی می‌کنند. و می‌دانند که ذکر صلوات یک ذکر فردی نیست؛ یک ذکر «سیاسی» است. شما دارید بر آن پیامبری درود می‌فرستید و نام آن پیامبری را به احترام می‌برید که

اقدامات او در درجه اول، اقداماتی سیاسی بود و برای امت اسلامی و شخص نبی خدا و اولیاء خدا قدرت آفرین بود؛ تا ایشان بتوانند دین را در جامعه جاری و ساری کنند.

در پایان سوره محمد(ص) خدا از ایمان شما ایرانی‌ها سخن گفته است

من به شما ایرانی‌ها تبریک می‌گویم، در تنها سوره قرآن که به نام شریف پیامبر(ص) است، یعنی در پایان سوره محمد(ص) خداوند از ایمان شما ایرانی‌ها سخن گفته است، آنجایی که می‌فرماید: «وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ» (محمد/۳۸) یعنی من در آینده، مؤمنینی را جای شما خواهم آورد که دیگر مثل شما نیستند، بلکه محکم هستند. اطرافیان رسول خدا(ص) پرسیدند: آنها چه کسانی هستند که از ما محکم‌ترند؟ هر قبیله‌ای، قوم خودش را معرفی می‌کرد، اما پیامبر(ص) دست خود را به شانه سلمان فارسی زدند و فرمودند: قومی که در آخرالزمان خواهند آمد و قوی‌تر از شما خواهند بود، قوم سلمان فارسی هستند. (قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ ذَكَرَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَكَانَ سَلْمَانَ إِلَى جَنْبِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَضْرَبَ يَدَهُ عَلَى فِخْذِ سَلْمَانَ فَقَالَ هَذَا وَ قَوْمُهُ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ كَانَ الْإِيْمَانُ مَنْوُطًا بِالثُّرَيَّا لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِّنْ فَارِسٍ؛ تفسیر صافی/۳۲/۵) (مجمع البیان/۱۶۴/۹) یا رسول الله(ص)! این

قوم امروز برای اسلام قدرتی ایجاد کرده‌اند که قدرت‌های جهان به لرزه در آمده است.

مژده ظهور خمینی به رسول خدا(ص)

امام خمینی(ره) می فرماید: در ولادت حضرت رسول(ص) قضایایی واقع شده است، قضایای نادری به حسب روایات شیعه و اهل سنت وارد شده است که این قضایا باید بررسی بشود که چی است. از جمله قضیه شکست خوردن طاق کسری و فروریختن چهارده کنگره از آن قصر. اینکه چهارده کنگره از کنگره‌های قصر ظلم خراب شد، به نظر شما نمی آید یعنی در قرن چهاردهم این کار می شود؟ یا چهارده قرن بعد از این کار می شود؟ به نظر شاید بیاید این، محتمل هست که این بنای ظلم شاهنشاهی بعد از چهارده قرن از بین می رود و به حمدالله رفت از بین. (صحیفه امام(ره) ج ۱۹، ص ۴۳۲ و ۴۳۵)

«چهارده کنگره از کاخ کسری فرو ریخت شاید...» حضرت امام(ره) خیلی از صحبت‌های عرفانی‌شان را با یک «شاید» بیان می کردند، ولی خدا و اهلش می دانند که این «شاید‌های امام» یعنی چه؟ ایشان فرمود: «اینکه چهارده کنگره کاخ کسری در شب میلاد پیغمبر اکرم(ص) فرو ریخت شاید معنایش این باشد که رسول من! بعد از چهارده قرن، دین تو در این مملکت حاکم خواهد شد»...

یعنی در قرن چهاردهم این کار می‌شود، یا چهارده قرن بعد این کار می‌شود؟؛ صحیفه امام/۱۹/۴۳۲ و ۴۳۵)

ما طی ده‌ها سال آینده متوجه می‌شویم «امام کی بود؟» الان داریم کم‌کم متوجه می‌شویم چرا امام (ره) می‌فرمود: «ملت‌های منطقه به ما خواهند پیوست!» ایشان تعبیری شبیه به این داشتند. آن زمان که ما این حرف‌ها را می‌شنیدیم، نوجوان بودیم و می‌گفتیم: ملت‌های منطقه که الان دارند ما را می‌کشند. امام! شما کجا را دارید می‌فرمایید؟!

ایشان می‌فرمود: «مخصوصاً ملت ایران و عراق» و ما می‌گفتیم: «اتفاقاً ملت عراق که الان دارند با ما می‌جنگند!» ولی الان در اربعین می‌بینیم که حرف‌های امام (ره) درست در آمد (اگر [در] جنگ عراق پیش‌برد ایران و عراق را، جنگش را، به نفع خودش شکست بدهد عراق را، عراق به ایران متصل می‌شود، یعنی، ملت عراق، ملت مظلوم عراق از زیر چنگال این حزب ستمگر، خودش را اخراج می‌کند و متصل می‌کند به ملت ایران و یک حکومتی خودش تأسیس می‌کند موافق میل خودش، اسلامی. و اگر ایران و عراق به هم پیوند پیدا کنند و اتصال پیدا کنند، سایر این کشورهای کوچولویی که در منطقه هست، آنها هم به اینها می‌پیوندند؛ صحیفه امام/۱۶/۳۵۲)

امام (ره) خیلی فوق‌العاده بود. امام (ره) برای ما شاگرد مکتب

پیغمبر اکرم(ص) است. ولی آدم برود پیش شاگرد این مکتب، تا شخص نازنین و با عظمت رسول خدا(ص) را بشناسد. ان شاءالله ما قدر این انقلاب را بدانیم که بنا بر تحلیل عرفانی حضرت امام(ره) خبر تولد این انقلاب در شب تولد پیغمبر اکرم(ص) - با حرکت نمادین فروریختن چهارده کنگره کاخ کسری - به جهانیان اعلام شده است، ان شاءالله ما لایق این انقلاب باشیم، لایق این مژده باشیم و این مژده را حفظ کنیم.